



محمد علی فروغی

+ نوشته ها و کارهای مهینی که محمد علی فروغی برای ایران کرده است :

- نگارش و یا برگردان برخی از نخستین نَسک (کتاب) های دانشی به زبان پارسی،
- نخستین نَسک علم اقتصاد در ایران به نام اصول علم ثروت ملل یعنی اکونومی پلتیک،
- نخستین نَسک هوده های بُنیک (حقوق اساسی) در ایران (حقوق اساسی یعنی آداب مشروطیت دول)
- نخستین نَسک تاریخ کشور در ایران (تاریخ ملل قدیمه مشرق)
- نخستین رسانه آزاد ایران به نام روزنامه تربیت با همکاری پدرش

- محمد حسین فروغی چاپ می شد،
- نخستین فرَنشین (رئیس) فرهنگستان ایران،
 - نگارش برخی نسک ها و نوشته های کارساز دیگر مانند سیر حکمت در اروپا - پیام من به فرهنگستان،
 - فرَنشینی (ریاست) شورای عالی انتشارات و تبلیغات،
 - برپایی فرهنگستان ایران،
 - فرَنشینی فرهنگستان ایران،
 - آفریدن بسیاری از واژگانی که پایه دانشی و فرزاندگی (فلسفی) داشته و یافتن برابر برای آنها در زبان پارسی،
 - برداشتن گامهایی از برای نگهداری بازمانده های میهنی و فرهنگی ایران،
 - برپاکردن « انجمن آثار ملی»،
 - برگزاری جشن هزاره فردوسی،
 - کوشش از برای ساخت و یا دوباره سازی ساختمان آرامگاه فردوسی - پورسینا - حافظ - سعدی -
 - نادرشاه - خیام - عطار،
 - ویراستاری (تصحیح) برخی از مِهین ترین نوشته های پارسی مانند دیوان حافظ - رباعیات خیام - کلیات سعدی و ...،
 - آموزش دادن و پرورش بسیاری از بزرگان ایران،
 - آموزش دادن در آموزشگاه ادب ، علمیه ، دارالفنون،
 - فرَنشینی بر آموزشگاه علوم سیاسی،
 - آموزگار ویژه احمدشاه،
 - پایه گذاری دبیرخانه گزینستان (مجلس شورای ملی) به پیشنهاد فرَنشین گزینستان یکم،
 - انجام آسا (قانون) « اصول محاکمات حقوقی» گزینستان که در

پی آن دادگستری تازه پدید آمد،
 - شالوده ریزی آسahایی (قوانینی) که پایه کار دادگستری می شود،
 با همکاری سید نصرالله تقوی، سید
 محمد فاطمی، شمس العلماء قریب گرکانی و میرزا طاهر تنکابن،
 - برچیدن دیوان (وزارت) « فوائد عامه و تجارت » و برپایی دو دیوان
 خانه تازه به جای آن، « وزارت
 اقتصاد ملی و وزارت طرق و شوارع »،
 - همکاری در برپایی دانشگاه تهران،
 - آفرینش و برپایی روزنامه رسمی. این برنامه نخستین بار در نهم
 اردیبهشت ۱۲۸۹ در گزینستان پیش
 کشیده شده بود.

+ پایگاه های ساستاری زانیچی (سیاسی ملی) و جهانی :
 - دو بار نماینده مردم تهران در گزینستان (مجلس شورای ملی) -
 فرنشین (رئیس) چرخه (دوره) دوم و
 دستیار فرنشین چرخه سوم گزینستان،
 - نخست وزیر در چهار چرخه (دوره) و همچنین جانشین نخست
 وزیر در چرخه سوم گزینستان،
 - در چهارمین چرخه، نخست وزیر و نیز جانشین نخست وزیر در
 زمان فرمانروایی کوتاه زمان رضاشاه،
 - محمد علی فروغی در چرخه چهارم وزیر دارایی بود. او همچنین
 در چرخه سوم، وزیر دادگستری یا
 سرپرست وزارت دادگستری، در پنج چرخه وزیر خارجه، وزیر
 جنگ، در پنج چرخه، سرپرستی وزارت
 تراز داری (اقتصاد) و در یک چرخه وزیر دربار و فرنشینی دیوان
 عالی تمیز را به گردن گرفته بود،
 - آماده سازی برپایی مجلس مؤسسان و ویراستاری چند « اصل
 متمم قانون اساسی » برای جا به جا
 شدن کشورداری از قاجار به پهلوی،

- نمایندگی بزرگ (سفیرکبیر) ایران در ترکیه
- فرنشین گروه نمایندگان ایران در «جامعه ملل» و فرنشینی «جامعه ملل»
- گفتگو با «متفقین» در زمان «اشغال ایران در جنگ جهانی دوم»
- + آنچه که در بالا آمده و بسیاری کارهای دیگر بوده که محمدعلی فروغی با پاژنامه (ملقب) نِکاء الملک برای پیشبرد سرزمین ما، ایران، انجام داده است. روانش شاد باد.
- محمدعلی فروغی از کوشندگان و رزمندگان مهین (مهم) انقلاب مشروطه در ایران بود.
- او در روزگار پس از «جنگ جهانی اول» و در سال ۱۹۱۹ در میان گروه فرستاده شدگان به «کنفرانس پاریس و جامعه ملل»، بود.
- + فروغی که در از میان رفتن دودمان قاجارها نخس ویژه ای داشت.
- با جا به جا شدن پادشاهی از قاجار به پهلوی او نخستین نخست وزیر زمان پهلوی بود.
- + نخستین کاری که به او سپرده شد، آن را به خوبی انجام داد، برگذاری برنامه تاجگذاری رضاشاه بزرگ بود.
- + محمدعلی فروغی که از زمان های دور با آتاتورک آشنایی داشت، از رضاشاه خواست که رهسپار ترکیه شود.
- + پس از این رهسپاری و دیدن پیشرفت های ترکیه بود که رضا شاه بزرگ، در برگشت به میهن در بسیاری از کارها بازنگری کرد.
- + در برپایی دانشگاه تهران، محمدعلی فروغی دستی دراز داشته است.
- + «انجمن آثار ملی» در زمان برپا شدنش از یاری های محمدعلی فروغی بهره ای بسیار برد. او برای نهادینه کردن، پاسداری و نگهداری از بازمانده های تاریخی ایران کوشش بی اندازه کرد.
- + نیای بزرگ محمدعلی فروغی، میرزا ابوتراب نماینده سپاهان (اصفهان) و از دانشمندان به نام بوده و نسک هایی چند نوشته

- است که پرآوازه ترین آنها «اصفهان نصف جهان» نام دارد.
- + گفته شد که محمدعلی فروغی نخستین، نخست وزیر رضاشاه بزرگ بود. پس از چندی میان او و رضاشاه بزرگ ناهماهنگی هایی پیش آمد. پس از آن ناهماهنگی ها، محمدعلی فروغی کار سیاست را رها کرده و به کارهای دانشی رو آورد.
- ولی ... به دنبال فروگیری (اشغال) ایران در جنگ جهانی دوم، در شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه بزرگ از محمدعلی فروغی خواست که دوباره نخست وزیر ایران شود و بدینگونه او را به سیاست بازگردانید.
- + در سومین باری که محمدعلی فروغی نخست وزیر بود، رضاشاه بزرگ ناچار شد از کار، کناره گیری کند.
- نامه ی کناره گیری کردن رضاشاه بزرگ را محمدعلی فروغی نوشت که رضاشاه بزرگ هم آن را دستینه (امضاء) کرد.
- + پیش از دستینه کردن کناره گیری رضاشاه بزرگ، با پافشاری فروغی، پادشاهی از رضاشاه به محمدرضاشاه رسید. محمدعلی فروغی نخستین، نخست وزیر دولت محمدرضاشاه پهلوی بود.
- + محمدعلی فروغی پیشنهاد متفقین که دگرگون شدن رژیم ایران بود، را پس زد. او باور داشت که بدانگونه و با درهم برهمی و پیچیدگی کارها، در آن زمان، « تمامیت ارضی» کشور از میان خواهد رفت.
- + پس از کناره گیری کردن و رفتن رضاشاه بزرگ از ایران و واگذاری پادشاهی به فرزند جوانش، محمدرضا شاه پهلوی ایران به متفقین پیوست و بیم پاره پاره شدنش از سوی متفقین از میان رفت.
- + محمدعلی فروغی، برای آموزش، پس از گذراندن آزمون های نخست به دارالفنون، سپس به مدرسه صدر، مدرسه مروی و مدرسه سپهسالار رفت. هم زمان، فرانسه و انگلیسی را آموخته و با دیدگاه فرزنانگان (فیلسوفان) اروپایی آشنا شد.
- + محمدعلی فروغی نسک « زندگی نامه های فلاسفه» خاور (غرب) را به پارسی برگردانید.
- + محمدعلی فروغی شاگرد کمال الملک در نگارگری (نقاشی) بود و در

برابر به او زبان فرانسه را می آموخت.

+ در آذرماه ۱۲۹۰ بود که صمصام السلطنه، گروه وزیران خود را جا به جا کرد و وزارت دادگستری (عدلیه) را به محمدعلی فروغی سپرد. او « قانون اصول محاکمات حقوقی» را به کار بست و بدین سان گام بزرگی در راه استواری دادگستری برداشت. در این باره خود او چنین می گوید :

- « خلاصه با مرارت و خون دل فوق العاده و با رعایت بسیار که نسبت به نظرهای آقایان علما به عمل آمد، مبادا حکومت شرعیه از میان برود، اول قانونی که از کمیسیون گذشت، قانون تشکیلات عدلیه بود که بر طبق آن عدلیه ایران دارای محاکم صلح و محاکم استیناف و دیوان تمیز و متفرعات آن ها گردید و دوم قانونی که گذشت، « قانون اصول محاکمات حقوقی» بود که تهیه آن را مرحوم مشیرالدوله دیده و زحمت گذراندنش را از کمیسیون کشیده بود. اما هنوز رسمیت نیافته بود. تا اول سال ۱۳۳۰ قمری یعنی ۲۵ سال پیش نوبت اولی که من وزیر عدلیه شدم آن قانون را به رسمیت رسانیدم و حکم به اجرای آن دادم. «
+ در همه زمانی که مستوفی الممالک نخست وزیر بود، فروغی وزیر جنگ بود ولی به درستی این وزارت خانه را رضاشاه بزرگ می چرخاند.
+ در بخشی از نامه ای که ذکاء الملک (محمدعلی فروغی) در سال ۱۹۱۹ به هنگام برگزاری سخنرانی (کنفرانس) آشتی از پاریس نوشته، پس از آن که به سختی گله می کند که چرا ایران باید در برابر انگلیسی ها « مرده در دستان مرده شور» باشد، افسوس خود را از نبود کیستی این گونه نشان می دهد :

- « ملت ایران باید صدا داشته باشد، افکار داشته باشد، ایران باید ملت داشته باشد.....»

ایران ملت ندارد. افکار عامه ندارد. اگر افکار عامه داشت به این روز نمی افتاد و همه مقاصد حاصل می شد. اصلاح حال ایران و وجود ایران متعلق به افکار عامه است و اگر بگویید تعلیق بر محال می کنی،

عرض می کنم خیلی متأسفم اما در حقیقت نمی توانم صرف نظر کنم. «
+ محسن فروغی، پسر محمدعلی فروغی می نویسد :

- « روزی که پدرم در باره استعفا و کناره گیری از ریاست دولت با شاه به مذاکره پرداخت، تقاضایش این بود که به وی اجازه داده شود به اتفاق فرزند خود به اروپا برود و چند ماهی وضع تحصیلی ما را سرپرستی کند، ولی رضاشاه با کناره گیری مطلق او موافقت نکرد و پدرم معاذیری از قبیل خستگی و بیماری آورده بود و سرانجام رضاشاه به او گفته بود کاری به تو محول خواهم کرد که حقوق و مزایا و امتیازات مال تو باشد، ولی زحمت آن مال من. سیمای نجیب فروغی که مشحون از حجب و حیا بود گلگون می گردد و لحظه ای بعد رضاشاه می گوید : آقای ذکاء الملک سِمتِ شما در کابینه جدید وزارت جنگ است. حقوق و مزایا مال شما، اداره کردن وزارتخانه با من.»

+ دو روز پس از تاخت و تاز متفقین به خاک ایران، در پنجم شهریور ۱۳۲۰ رضاشاه بزرگ، علی منصور را از نخست وزیری برکنار کرده و فرنشینی دولت را به محمدعلی فروغی سپرد. فروغی بی درنگ، به ارتش ایران دستور داد از پایداری دست بردارد و آن را به آگاهی سر ریدر بولادر، نخست وزیر انگلستان و آندری اسمیرنوف، سرنماینده (سفیر کبیر) شوروی رسانیده و از آنان خواست که نیروهایشان، کارهای جنگی را بازایستانند.

+ در هشتم شهریور، بوارد و اسمیرنوف نزد فروغی و رفته و به آگاهی او می رسانند که دولت های آنها هیچ نخشه دشمنی با شما و آزادسری کشور ایران ندارند و تنها از دولت ایران می خواهند که ارتش خود را در نیمروز (جنوب) و آپاختر (شمال) به پشت مرز پس بنشانند و همه شهروندان آلمانی را، جز کسانی که در نمایندگی (سفارت) آلمان کار می کنند را به نیروهای انگلیسی یا شوروی واپسپارند. جدا از آن، جا به جایی ابزار جنگی را چه با راه آهن و چه از راه هوا در خاک ایران فراهم آورد. در برابر آنان نیز دستمزد کارکنان، در دریای کاسپین را همچون گذشته پرداخت خواهند کرد و نیروهایشان را از پیشروی

بازخواهند داشت.

و همین که چند و چونی کارها سامان پذیرفت، ارتش های خود را از ایران بیرون خواهند برد.

+ دو روز پس از آن دیدار، در دهم شهریور، محمدعلی فروغی به یولارد و اسمیرنوف نوشت پیشنهادهای آنان را می پذیرد و در برابر درخواست می کند که فرمانروایی دولت ایران برجا بماند و سازمان های دولتی و شهربانی و پاتاژها (ژاندارمری ها) بتوانند کار خود را دنبال کنند و نیروهای انگلیس و شوروی به هیچ روی با فرمانروایان دولت ایران کاری نداشته و با مردم پیوندی نداشته باشند. سلاح ها و ساز و برگ را که از ارتش ایران به دست آورده اند را پس بدهند و تاوان زیان هایی را که به ایران وارد کرده اند، بپردازند.

+ در پانزدهم شهریور، دولت انگلیس با فرستادن یادداشتی، خواسته های فروغی را پذیرفت.

+ داویدیان بر این باور است که :

- « در این دوره حساس تاریخی، فروغی توانست وظیفه خود را به عنوان یک وطن پرست به خوبی در قبال وطنش ایفا کند. او با درایت و فهم سیاسی بالایی که داشت، توانست مملکت را از خطرات بسیاری، از جمله

اشغال کامل کشور و تجزیه آن به دست متفقین حفظ نماید.»

+ نامه و تلگراف های سر ریدر بولارد به «وزارت خارجه» انگلیس نشان می دهد که چگونه تدبیر و تدبیر فروغی از فروپاشی کشور جلوگیری کرد. برای نمونه در تلگراف هفدهم شهریور ۱۳۲۰ می نویسد :

« من تردید ندارم که روس ها کوشش خواهند کرد که شمال ایران را بلشویک مآب کنند.

و یا تلگراف تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۲۰ :

« روس ها غنی ترین بخش مملکت را اشغال کرده اند. شاید دولت

شوروی با گوشه چشمی به ضمیمه کردن بی دردسر شمال ایران به روسیه در زمان آینده، به عمد به آن توجه نشان می دهند.»

+ در هجدهم شهریور ۱۳۲۰، فروغی گزارشی از گفتگوهای خود با متفقین را به گزینستان داد و بار دیگر درخواست «رای اعتماد» کرد و «رای اعتماد» گرفت.

+ رضاشاه بزرگ در شهریور ۱۳۲۰ از پادشاهی و فرمانروایی کناره گرفت و تاج و تخت را به پسرش محمدرضا واگذار کرد.

+ در همان روز فروغی به گزینستان رفت و نامه کناره گیری کردن رضاشاه بزرگ را برای نمایندگان خواند. و گفت :

« شاه جدید «جوان لایق محبویی» او را مأمور و مفتخر کرده که ریاست دولت ادامه دهد و به اطلاع عموم و مجلس شورای ملی برساند که او تصمیم قطعی دارد قانون اساسی را کاملاً رعایت کند و «اگر در گذشته نسبت به مردم جمعاً و فرداً تعدیاتی شده است، از صدر تا ذیل مطمئن باشند که اقدام خواهد کرد. از برای این که آن تعدیا مرتفع و حتی الامکان جبران بشود.»

+ فروغی از محمدرضا پهلوی خواست فردای آن روز به گزینستان رفته و با بیان سوگند بگونه بنیادی (رسماً) پادشاهی را بیاغازد.

+ محمدرضا شاه در تاریخ ۲۶ شهریور به گزینستان رفته و پس از سوگند، در گفتاری به نمایندگان، از دولت فروغی خواست که

« برنامه جامعی حاکی از روش اصلاحات مربوط به امور اجتماعی و اقتصادی مالی و تغییر مقرراتی که با احتیاجات و مقتضیات امروز وفق نمی دهد، هرچه زودتر با موافقت و تصویب مجلس تهیه نموده، به موقع اجرا بگذارد.»

+ شاه نیز فروغی نخستین نخست وزیر دولت خود کرد.

+ رضاشاه بزرگ در راه بیرون رفتن از ایران همه دارایی خود را، در برابر ده گرم نبات به فرزندش محمدرضاشاه بخشید تا به «مقتضای مصالح کشور به مصارف خیریه فرهنگی» برساند.

+ محمدرضاشاه نیز در نامه ای به فروغی دارایی پدرش را به « منظور ترقی کشاورزی و بهبودی حال کارگران، ترقی فرهنگ و

بهداری»

به دولت بخشید و دستور داد

« اگر کسانی باشند که نسبت به املاک، ادعای غبنی داشته باشند، پس از رسیدگی به شکایت آنها، از محل همین املاک رفع ادعا بشود.»
+ در ۲۴ آذرماه ۱۳۲۰ محمدعلی فروغی کار مهمی انجام داد و آن این بود که « پیمان اتحاد» با شوروی و انگلستان بست. این پیمان نامه، میان علی سهیلی وزیر خارجه دولت با سفیران آن دو کشور در تهران دستینه (امضا) شد. در این پیمان نامه، شوروی و انگلیس به گردن گرفتند (تعهد کردند) یک پارچگی سرزمین، آزاد سری سیاسی ایران را پاس بدارند بی آنکه چشم به راه این باشند که ایران در جنگ با آنها همکاری کند.

+ شاه، فروغی را وزیر دربار کرد. پس از زمانی چند، برنامه بدینگونه شد که فروغی «سفیر کبیر» ایران در امریکا شود. برای او پذیرش خواستند، پذیرفته شد.

+ فروغی پیش از رهسپاری در خواست کرده بود که پسرش محمود فروغی که کارمند وزارت امور خارجه بود، او را همراهی کند. این درخواست نیازمند پذیرش دیگر وزیران نیز بود. قوام السلطنه نخست وزیر آن را با دولت در میان گذارد که با سرتابیدن وزیر خارجه اش، مهذب الدوله کاظمی روبرو شد.

+ نیاز به یادآوری است که فروغی در همه پیشرفت های کاظمی او را یاری داده و او را از کارمندی ساده به سفارت و وزارت رسانده بود فروغی پیوسته خرده گیری ها و گاهی هم سرزنش های دوستان را به جان می خرید.

فروغی چشم به راه چنین واکنشی نبود. او باور نمی کرد که کسی با درخواست کوچک او سرناسازگاری بردارد. فروغی از این پیش آمد بسیار اندوهگین شد.

بدینگونه این درخواست، چندی در دولت ماند و کسی برآن نشد تا درباره اش کاری کند.

تفو بر تو، ای چرخ گردون، تفو

+ بیماری فروغی بالا گرفت تا جایی که در پنجم آذرماه ۱۳۲۱ در شست و پنج سالگی در پی یک گشمان (سکته قلبی) در گذشت.

+ کاش ایران ما از این مردان کاراً بیشتر می داشت !
+ از زندگی خانوادگی محمدعلی فروغی آگاهی های چندانی در دست نیست !

+ زندگی محمدعلی فروغی بسیار بیش از اینها نیازمند بررسی است و درخواست نوشتارهای بیشتری دارد .

گردآورنده : ژاله دفتریان
امرداد ۲۵۸۳ ایرانی
ژوئیه ۲۰۲۴ ترسایی

